

## مؤلفه‌های زمینه‌ای (محتوایی) تمدن سازی اسلامی

محمد خورشیدی

دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی فرهنگی دانشگاه عالی دفاع ملی

mhkhoshidi@chmail.ir

همایون همتی

عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی

### چکیده

بقاء ارزش‌های اسلامی در قالب حکومت‌های دینی و به ثمر رسیدن حرکت جنبش‌ها و نهضت‌های اسلامی به ویژه در ابعاد جریان بیداری اسلامی با هدف غلبه بر حاکمیت تمدنی غرب، نیازمند حرکت به سمت ساخت تمدن نوین اسلامی است. برای نیل بدین مهم، تمییز مؤلفه‌های زمینه‌ای (محتوایی) تمدن سازی اسلامی ضروری بوده که در این تحقیق با رویکردی اکتشافی و آمیخته، در بخش کیفی بررسی ادبیات نظری با استفاده از تکنیک فیش برداری صورت پذیرفته و ضمن بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی عرفی پس از انجام مصاحبه با ۱۲ تن از خبرگان در بخش کمی تحقیق نیز اهم مؤلفه‌های زمینه‌ای تمدن سازی اسلامی با عناوین؛ ایمان و خداباوری،

آموزه‌های اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت، ابدیت و معادباوری، عقلانیت دینی، باورهای اخلاقی، جنبش نرم‌افزاری در علم، فقه تمدن ساز و تحول در علوم انسانی از طریق تهیه پرسشنامه و پیمایش خبرگی میان ۵۰ نفر از جامعه آماری به کمک فنون آمار استنباطی مانند آزمون تی یک نمونه، آزمون تحلیل عاملی و آزمون فریدمن با بهره‌گیری از نرم افزار Spss مورد اعتبار سنجی و اولویت‌بندی قرار گرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** تمدن، تمدن اسلامی، تمدن سازی اسلامی، تمدن نوین اسلامی، بعد زمینه‌ای (محتوایی).

#### مقدمه

در جهان بینی اسلامی دو رکن اساسی انسان سازی و تمدن سازی جهت رسیدن به اهداف متعالی الهی، درخششی بی بدیل دارد. قرآن کریم هدف از بعثت رسولان را انسان سازی به عنوان نیل به هدف خلقت دانسته و از اینرو تمدن سازی جهت ایجاد فضای مناسب برای تحقق انسان سازی اهمیت دارد چرا که غایت تمدن اسلامی، رساندن بشر به حیات طیبه و قرب الهی است. چنانچه در قرآن کریم بعثت انبیاء نیز با هدف انسان‌سازی مطرح شده است. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ<sup>۱</sup>». به تعبیر اقبال لاهوری دنیای امروز از تفسیرهای مادی جهان به تنگ آمده است و بشر امروز احتیاج به یک فکر، عقیده و ایمانی دارد که تفسیر روحانی از جهان نموده تا بفهمد این جهان، صاحبی به نام خدا داشته و از طرفی به یک آزادی معنوی و قانونی متکامل نیاز دارد تا بشر را به کمال سوق داده و از یک ایمان معنوی سرچشمه بگیرد که به هر پدیده ظاهری، رنگ معنوی بدهد (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۲۱: ۴۶۷). لذا رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) تأکید دارند که «هدف نهایی را باید، امت واحده اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید قرار داد»<sup>۲</sup>. از طرفی در

۱. او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند

و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد. سوره مبارکه جمعه آیه ۲

۲. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در اولین اجلاس بیداری اسلامی مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۶

آوردگاه تمدن‌های گوناگون، به خصوص تمدن غربی با شعار «نظم نوین جهانی»<sup>۱</sup> و «جهانی شدن»، انسان‌ها از مسیر تعالی واقعی بازداشته شده‌اند و به تعبیر روزه گارودی<sup>۲</sup>، غربیان مسیحی در حال کشتن فرزندان و نوادگان خود هستند<sup>۳</sup> و به جای مداوای دردهای انسانی بشر امروز، سبب مزمن شدن بیماری او گشته‌اند. از اینرو در تمدن سازی اسلامی در پی احصاء مؤلفه‌های بنیادین تمدن سازی با محور آموزه‌های اسلامی هستیم که علاوه بر تشخیص مسائل<sup>۴</sup> بایستی در حل مسائل<sup>۵</sup> گوناگون دنیای امروز به ویژه «چالش‌های برآمده از غرب» (غلامی، ۱۳۸۳: ۲۱۰-۲۰۴) پاسخگو باشد. از طرفی غایت تمدن نوین اسلامی، تعالی بشر و رساندن او به منازل قرب الهی است. لذا جهت نیل به این مهم و رسیدن به تمدن نوین اسلامی، لازم است ابعاد مختلف موضوع، مورد کنکاش قرار گیرد. از طرفی جوامع انسانی «در تمدن امروزی، به اعتراف صاحب‌نظران برجسته غربی، آمریکا و اروپا- به عنوان سمبل تمدن غرب- با بحران‌های شدیدی در حوزه‌های مختلف مواجهند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۱۰۵) و از آنجا که فرهنگ غرب رو به انحطاط، زوال مطلق و فروپاشی است (روزه گاردی، ۱۳۹۱)، و با عنایت به عطش معنویت در جهان و شکست مکاتب فکری مختلف، همچنین با ناامیدی جهان از نظام لیبرال دموکراسی<sup>۶</sup> به خصوص در آمریکا به عنوان مدعی ایجاد نظم نوین جهانی با شعار جهانی سازی، لازم است جهت خروج از سیطره تمدنی غرب، با نظریه سازی در باب تحقق تمدن نوین اسلامی از جمله تبیین مؤلفه‌های محتوایی تمدن سازی اسلامی، زمینه‌های لازم در پاسخ مطلوب به نیاز امروز دنیا در قالب یک پارادایم الهی ارایه گردد. در واقع زندگی انسان امروز، رویکرد جهانی و تمدنی به خود گرفته و به عبارتی در حیات تمدنی بسر می‌بریم و چون مکتب اسلام

1. New World Order

2. Roger Garaudy

۳. قابل دسترس در سایت [www.fa.wikipedia.org](http://www.fa.wikipedia.org)

4. Problem Identifying

5. Problem Solving

6. Liberal democracy

یک دین جهانی با آموزه‌های جهان‌شمول با ظرفیت تمدن‌سازی در ابعاد جهانی است، تمدن اسلامی در واقع یک سیستم برای زندگی فردی و اجتماعی پیشنهاد می‌کند که برای تحقق آن نیاز به دانش تمدنی داریم که یکی از الزامات آن، تبیین علمی برآورد مؤلفه‌های تمدن‌سازی اسلامی در بعد محتوایی خواهد بود. از طرفی لازمه گسترش و قوام یک فرهنگ، جهانی شدن آن است و اگر فرهنگی به سمت تمدن‌سازی حرکت نکند، قابلیت جامعه‌سازی خود را از دست داده و به لایه‌های درونی و فردی فرو کاسته خواهد شد (عرفان، ۱۳۹۳: ۶۸). لذا پرداختن به مباحث تمدن‌سازی و حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی از این جهت که شرط بقاء انقلاب اسلامی و به تبع آن حفظ و صیانت از فرهنگ اسلامی در فرایند تمدن‌سازی است، حائز اهمیت خواهد بود. چرا که در فرهنگ‌های غالب، فرهنگی که نتواند امتداد تمدنی برای خودش ایجاد نماید، جهانی نشده و اگر نتوان الگوی تمدن‌سازی اسلامی را ترسیم نمود، در موازنه تقابل با دنیای غرب در بلند مدت شکست خواهد خورد. لذا عدم درک بنیان‌های نظری تمدن‌سازی اسلامی سبب اضمحلال رویکرد تمدنی جوامع اسلامی و غلبه تمدن غرب بر ملت‌های مسلمان خواهد بود. لذا در این تحقیق، دغدغه محقق بر آن است که در بُعد زمینه‌ای (محتوایی) تمدن‌سازی اسلامی که مجموعه‌ای از باورهای اساسی، ارزش‌ها، بینش‌ها و دانش‌ها مد نظر است، چه مؤلفه‌هایی در ساخت تمدن نوین اسلامی مؤثر می‌باشد؟

## مبانی نظری

### پیشینه‌شناسی

در زمینه تمدن‌سازی اسلامی، برخی تحقیقات مانند «تاریخ تمدن و ملک مهدوی» (همایون، ۱۳۹۰)، «ظرفیت‌شناسی رویکردهای فکری، فرهنگی آموزه مهدویت پس از انقلاب در تحقق تمدن اسلامی» (برزویی، ۱۳۹۴)، «ظرفیت‌های سیاسی جهان اسلام برای تمدن نوین اسلامی» (ره‌دار، ۱۳۹۴)، «ظرفیت‌های فرهنگ سیاسی تشیع در برسازي تمدن نوین اسلامی» (شجاعی، ۱۳۹۵) به ظرفیت‌های اسلام، مهدویت و جهان اسلام برای تمدن‌سازی اسلامی اشاره داشته‌اند و در برخی تحقیقات نظیر «الزامات

تحقق تمدن نوین اسلامی» (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۹۴)، «قواعد تمدن‌سازی و آینده تمدن اسلامی» (سریع القلم، ۱۳۷۳)، «اقتضائات تحقق تمدن نوین اسلامی» (ملاشاهی، ۱۳۹۴)، «آسیب شناسی، موانع و چالش‌ها در تحقق تمدن نوین اسلامی» (زنگویی و دیگران، ۱۳۹۴) به بررسی قواعد، الزامات و موانع تمدن نوین اسلامی پرداخته‌اند. البته در مقاله‌ای با عنوان «مؤلفه‌ها و راهبردهای تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر تمدن‌گرایان» (غفاری هاشجین و خاکی، ۱۳۹۴)، مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی از منظر متفکران تمدن‌گرا به دو دسته مؤلفه‌های حقیقی (سبک زندگی و شبکه روابط اجتماعی مبتنی بر تعالیم اسلامی) و مؤلفه‌های ابزاری (سامان مادی و مواردی چون: ابتکارات، ابزارها، نهادها، اقتدار سیاسی و بین‌المللی) تقسیم بندی شده است. همچنین در مقاله‌هایی مانند «مبانی و مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی» (خاری آرنی و علی اکبرزاده آرنی، ۱۳۹۴)، «مؤلفه‌ها و پیشران‌های آینده‌نگاری تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر امام خمینی» (کشاورز ترک، تسنیمی، ۱۳۹۷)، «تبیین مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی مورد نظر مقام معظم رهبری و تحلیل جایگاه آن در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران» (دیبایی صابر، ۱۳۹۷) نیز به برخی مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی اشاره شده که در اغلب آنها به صورت محدود و خارج از بررسی بعد محتوایی تمدن‌سازی اسلامی، مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ضمناً در برخی مقالات مرور شده، روش تحقیق به صورت نظام‌مند برای رسیدن به نتایج مورد نظر وجود نداشته که در این تحقیق برآورد مؤلفه‌های محتوایی تمدن‌سازی اسلامی با استفاده از روش تحقیق آمیخته صورت خواهد پذیرفت.

### مفهوم‌شناسی

تمدن: تمدن در لغت به معنای تخلق به اخلاق شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت، اقامت کردن در شهر، شهرنشینی و مجازاً به معنای تربیت و ادب (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵: ۶۹۷۲)، همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی (معین، ۱۳۸۲: ۳۱۰) است. شاید بتوان گفت عرب‌ها با دقت بیشتری مفهوم «civilization» را ترجمه کرده‌اند. لذا تمدن در عربی معادل واژه

«الحضاره» به معنای اقامت در شهر است (ابن منظور، ۱۹۷۷، ج ۲: ۱۰۳). لیکن اگر در فارسی مفهوم تمدن معادل «civilization» تلقی نمی‌شد، حتی نیازمند لفظ «اسلامی» هم نبود چرا که در ادبیات دینی و لسان روایات، مدینه مفهومی مثبت است و مکانی است که ظرفیت پذیرش ولایت را دارد و عذاب بر مدینه نازل نمی‌شود و بهتر بود به جای ترجمه «civilization» به تمدن از تعبیر «تمصر» استفاده می‌شد. «اهبطوا مصرا»<sup>۱</sup> که گویای هبوط انسان و سقوط آدمی در تکاثر و تکثر است (متولی امامی، ۱۳۹۴: ۶۱-۶۰). به هر تقدیر تمدن از جمله مفاهیمی است که به دلیل غامض بودن، تعاریف متعددی از آن ارایه شده است؛ ابن خلدون که بیش از همه دانشمندان اسلامی درباره تمدن سخن گفته، آن را با واژه عمران یاد کرده و تمدن را به عمران بدوی و عمران حضری تقسیم نموده است (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ۴۱).

برخی مانند تایلور، تمدن را ترکیب پیچیده‌ای شامل علوم، اعتقادات، هنرها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم، عادات، و اعمال دیگری می‌دانند که به وسیله انسان در جامعه خود به دست می‌آید (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۳۱) و برخی مانند آلفرد وبر<sup>۲</sup> به ویژگی‌های تمدنی توجه داشتند و کسانی مانند هومبولت<sup>۳</sup> در تعریفشان از تمدن به قلمرو آن اشاره کرده‌اند (جهان بین و دیگران، ۱۳۹۳: ۴) و برخی مانند کار اسپنگلر<sup>۴</sup>، تمدن را به مرحله واپسین، سنگواره‌ای و بی‌آفرینش و یا روزگار پیری و افسردگی فرهنگ‌های یکتا و آبستن سرنوشت تعریف کرده است. برخلاف وبر که وی تمدن را با کارکردهای عینی، فنی و اطلاعاتی جامعه یکی دانست و فرهنگ را با امور ذهنی مانند دین، هنر و فلسفه، و به نظر او تمدن انباشت‌پذیر و بازگشت‌ناپذیر است برخلاف فرهنگ که اجزای آن دگرگون‌پذیر نبوده و فزونی‌ناپذیر است (آشوری، ۱۳۸۱: ۴۱). آرنولد توین بی<sup>۵</sup>، تمدن را چنین تعریف می‌نماید: «تلاش برای آفریدن جامعه‌ای که کل

۱. آیه ۶۱ سوره مبارکه بقره

2. Alfred Weber
3. Humboldt
4. Oswald Arnold Gottfried Spengler
5. Arnold Joseph Toynbee

بشریت بتوانند با هم‌نوایی در کنار یکدیگر و به منزله اعضای از یک خانواده کامل و جامع در درون آن زندگی کنند» (توین بی، ۱۳۷۶: ۴۸). در نظر توین بی<sup>۱</sup> تمدن‌ها نظام‌هایی پیچیده‌اند با کلتی در هم تنیده که اجزایشان با یکدیگر در ارتباط بوده و عناصر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن ضمن توجه به یک کل واحد در تناسب با همند (پهلوان، ۱۳۸۸: ۴۳۶). پروفیسور مولانا تمدن را واژه‌ای می‌داند که «تحت آن، تغییرات کلی جوامع و فرهنگ‌ها و ملیت‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد. تمدن مفهومی بالاتر از ملت‌ها، دولت‌ها و فرهنگ‌ها بوده، نکات اشتراکی، جهش، جهت و جهان بینی جوامع بشری را بیان می‌کند» (مولانا، ۱۳۸۲: ۱۴۸). با بررسی تعاریف ارائه شده وجه جامع همه تعاریف را می‌توان در سه محور ذیل بیان نمود (بابایی، ۱۳۹۳: ۳۹-۳۸):

الف) هر تمدنی دارای جامعه است.

ب) تمام تمدن‌ها دارای خاستگاه عقلانی هستند.

ج) تمدن‌ها دارای مجموعه نظام‌های اجتماعی شامل: نظام اقتصادی، نظام فرهنگی و نظام سیاسی می‌باشند که مجموعه این نظام‌ها تمامیت یک تمدن را شکل می‌دهد. در واقع تمدن یک قالب و کالبد اجتماعی و این جهانی است که نرم افزار تمدنی در آن یعنی دین و اخلاق، سیاست، اقتصاد و فرهنگ به مثابه یک سخت افزار واقع می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۵۳). بنابراین؛ با جمع‌بندی تعاریف پیش‌گفته، تمدن را می‌توان به شکل زیر تعریف نمود:

ظهور و بروز جنبه مادی و عینی جوامع که ریشه در فرهنگ آن داشته و با خاستگاهی عقلانی در عرصه نظام‌های اجتماعی شامل نظام سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و سایر خرده‌نظام‌ها بروز نموده و بر اساس نظام مقبول، جهت رسیدن به مطلوب‌ها است. این تعریف مشخص می‌کند تمدن، پیکری متمایز از فرهنگ نبوده بلکه نتیجه فرهنگ در لایه تمدنی آن محقق می‌گردد با این وصف که متعلق تمدن، تجلی یا تحقق باورها، ارزش‌ها، اندیشه‌ها و دانش‌هایی است که در اثر فرهنگ حاصل شده است. به عبارت دیگر در نظام‌های به وجود آمده از تمدن، منشأ ایجاد، فرهنگ است و بدون فرهنگ، تصور تمدن ممکن نیست.

1. Arnold Joseph Toynbee

تمدن اسلامی: از آنجا که تمدن اسلامی مبتنی بر دین اسلام بوده و حیات خود را از آموزه‌های دینی اخذ نموده و اصلی‌ترین بنیان تمدن نوین اسلامی، دین است، باید دانست که در فرهنگ اسلامی، دین مجموعه عقاید، قوانین و مقرراتی است که هم به اصول بینشی بشر نظر دارد و هم درباره اصول گرایشی وی سخن می‌گوید و هم اخلاق و شئون زندگی او را پوشش می‌دهد. به دیگر سخن، دین مجموعه عقاید، اخلاق و قوانین و مقرراتی است که برای اداره فرد و جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها، از طریق وحی و عقل، در اختیار آنان قرار دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۲۷). دین می‌تواند برای افراد، نظام عقیدتی مشترکی را به وجود آورد تا از این راه، هویت فرهنگی مشترک تحقق یابد. کارکرد این نظام عقیدتی، معنابخشی به واقعیت‌هاست که به واسطه قاعده‌مند کردن مفاهیم عام هستی صورت می‌گیرد. براین اساس، می‌توان از معرفتی دینی سخن راند که منبعی از معانی غایی است؛ عناصر فرهنگی و اجتماعی متنوع را به یکدیگر پیوند می‌زند و هویت و همبستگی را فراهم می‌نماید (Williams, 2005:89). به تعبیری، دین، شکل دهنده زندگی بشر در تمام جنبه‌ها است (نصر، ۱۳۸۵ الف: ۳۶). بنابراین دین مجموعه‌ای از باورهای اساسی مبتنی بر توحید می‌باشد که شکل دهنده ارزش‌ها و ارایه دهنده هنجارها برای جهت دهی به رفتارها و نمادهاست. بر این اساس است که می‌توان تمدن اسلامی را تبیین نمود. چرا که پایه‌های این تمدن عظیم بر تعالیم دین اسلام قرار دارد. البته بحث از اسلام و ارتباط دادن آن با تمدن به معنای تقلیل آن به برقراری رابطه عینی میان اسلام و تمدن یا ایدئولوژی نیست و هدف، طراحی یک قالب اجتماعی جهت نیل به اهداف دینی و انسانی است. بنابراین میان «دین تمدنی» و «تمدن دینی» تفاوت هست (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۳۰).

از اینرو در تعریف تمدن اسلامی باید گفت: «مجموعه هماهنگ و سازمان یافته‌ای از عقاید، باورها، سنن، خلاقیت‌ها، اختراعات، فنون و علم که به نحوی از انحاء، متأثر از اندیشه اسلامی بوده و در جامعه اسلامی و مسلمانان فراهم آمده باشد» (سمیعی اصفهانی، ۱۳۹۵: ۱۹۸). تمدن اسلامی در اندیشه رهبر معظم انقلاب «آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی



داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است.<sup>۱</sup> بنابراین با لحاظ مطالب پیش گفته می‌توان اذعان داشت، تمدن اسلامی علاوه بر استقرار در یک سیر تاریخی مشخص، دارای نظام‌هایی مبتنی بر دین اسلام بوده و عبارت است از: نظام‌های دست ساز برآمده از دین اسلام در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که در پی رفع نیازهای اساسی جامعه به شکل معقول و متوازن در همه ابعاد است تا سبب پیشرفت مادی و تعالی معنوی انسان‌ها گردد.

تمدن‌سازی اسلامی: بر اساس ایده هدایت‌گر تمدن<sup>۲</sup> دکتر نصر (Nasr, 2009:9)، هر تمدنی بر اساس معیار و تعریفی که از خودش ارائه می‌دهد دارای یک ایده هدایت‌گر و موتور محرکه است که از آن تعبیر به روح سازنده تمدن می‌نماید. برای مثال اگر «اقتصاد»، معیار و ایده هدایت‌گر و قلب تپنده تمدن باشد، مانند آنچه در رویکردهای مارکسیستی مطرح است، پیامدهای خاص خود را در فرایند شکل دهی به تمدن خواهد داشت و اگر دین، ایده هدایت‌گر تمدن باشد، بر اساس قواعد و هنجارهای دینی، فرایند تمدن شکل خواهد گرفت (نوروزی فیروز، ۱۳۹۴: ۱۱۰). لذا در میان سازه‌های تمدنی، دین دارای نقش بی بدیلی است که برخی دین به معنای قدسی و الهی آن را قلب همه تمدن‌ها دانسته‌اند. از اینرو اصولاً نظام دینی می‌تواند عامل انسجام و یکتایی باشد که خرده‌نظام‌های تمدنی را برای تشکیل هویت واحد تمدنی جدید در هم بیامیزد و سیستمی هماهنگ با هارمونی مشخص ایجاد نماید (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۶۳-۶۰). در این راستا در بحث دین و تمدن می‌توان سه رویکرد «همگرایی دین و تمدن»، «رویکرد تردیدگرایانه» و «رویکرد سکولار» را فرض نمود (عرفان، ۱۳۹۳: ۷۰). در رویکرد هم‌گرایی دین و تمدن که طیف گسترده‌ای از اندیشمندان اسلامی مانند سید جمال الدین اسدآبادی، ابوالاعلی مودودی و شهید مطهری به آن قائلند، دستاوردهای

۱. بیانات معظم له در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۴

تمدنی اسلام مدیون آموزه‌هایی چون؛ خردگرایی، هماهنگی با فطرت انسانی، انسان‌باوری، ترویج علم و دانش می‌باشد (همان: ۷۲-۷۰). بنابراین «تمدن‌سازی در جامعه دینی به معنای ابتدای تمدن بر پایه دین و پذیرش مرجعیت دین در تمدن‌سازی است» (همان: ۸۲).

با این نگاه، تمدن‌سازی اسلامی یعنی پیشرفت همه جانبه در کنار برخورداری از دستاوردهای علمی و فناورانه با تأکید بر عنصر حرکت و تعالی که شامل تمام ابعاد مادی و معنوی انسان‌ها می‌گردد.<sup>۱</sup> این نوع نگرش در تمدن‌سازی اسلامی، تنها به دنبال اسلامی کردن جنبه‌های عینی، عملی و تاکتیکی جامعه نیست که با تصرف حکومت توسط افراد مؤمن بتوان آن را بدست آورد (مرکز مطالعات راهبردی ناجا، ۱۳۹۵: ۵)، بلکه در تمدن‌سازی اسلامی علاوه بر ایجاد حکومت اسلامی و پرداختن به جنبه‌های عینی و مادی جامعه، نیاز به اسلامی نمودن جنبه‌های ذهنی، فرهنگی و معنوی تمدن به عنوان سازه‌های اصلی تمدن برای ایجاد تمدن نوین اسلامی نیز می‌باشد. در تمدن‌سازی اسلامی، نگاه جامع به تعالی بخشی در تمام جنبه‌های زندگی بشر و نیازهای او لحاظ شده است چرا که «اسلام به هیچ وجه بر نمی‌تابد جامعه عقب افتاده در مسائل علمی، در مسائل سیاسی، در مسائل تمدنی و در هر عرصه دیگری را؛ اسلام دنبال ایجاد یک جامعه پیشرفته است».<sup>۲</sup> لذا «تمدن نوین اسلامی می‌تواند با شاخصه ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه بشریت هدیه دهد و نقطه‌رهایی از جهان بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به لجن کشیده‌ای که از ارکان تمدن امروزیین غرب اند، باشد».<sup>۳</sup> بنابراین می‌توان گفت؛ تمدن نوین اسلامی عبارت است از ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت‌های هدفمند، نظام‌مند و نوظهور امت اسلامی بر اساس تعالیم اسلامی در تمامی عرصه‌های اجتماعی، که شکلی معنادار و منضبط به خود گرفته و جامعه اسلامی را به مقاصد خود نزدیک

۱. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با جوانان خراسان شمالی مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۳

۲. بیانات معظم له در دیدار دانشجویان مورخ ۱۳۹۲/۵/۶

۳. بیانات معظم له مورخ ۱۳۹۲/۲/۹

می‌کند (غلامی، ۱۳۹۶: ۴۳). البته برای ساخت تمدن نوین اسلامی و رسیدن به پیشرفت همه‌جانبه باید اذعان داشت؛ الگوی واحدی برای پیشرفت در ابعاد تمدنی در جهان اسلام وجود نداشته و باید آن را با توجه به اقتضائات هر کشوری ایجاد نمود و به تعبیر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) «شرایط گوناگون - شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط جغرافیای سیاسی، شرایط طبیعی، شرایط انسانی و شرایط زمانی و مکانی - در ایجاد مدل‌های پیشرفت، اثر می‌گذارد... بنابراین یک مدل واحدی برای پیشرفت وجود ندارد که ما آن را پیدا کنیم، سراغ آن برویم و همه اجزاء آن الگو را در خودمان ایجاد کنیم و در کشورمان پیاده کنیم؛ چنین چیزی نیست. پیشرفت در کشور ما - با شرایط تاریخی ما، با شرایط جغرافیایی ما، با اوضاع سرزمینی ما، با وضع ملت ما، با آداب ما، با فرهنگ ما و با میراث ما - الگوی ویژه‌ی خود را دارد؛ باید جستجو کنیم و آن الگو را پیدا کنیم»<sup>۱</sup>. عمده آن است که ایجاد تمدن نوین اسلامی در جهان اسلام بر محور آموزه‌های اسلامی باشد و به تدریج با نظام‌سازی و اسلامی نمودن ابعاد عینی و مادی در کشورهای اسلامی، زمینه‌های لازم جهت ساخت تمدن جدید اسلامی را فراهم آوریم. بنا به آنچه گفته شد:

تمدن سازی اسلامی عبارت است از: طراحی و ساخت نظام‌هایی که بر اساس الگوهای جدید مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و تجربه‌های تمدن پرشکوه اسلامی، ضمن پاسخگویی به نیازهای طبیعی و ایجاد پیشرفت مادی، بعد معنوی انسان‌ها را نیز به سوی تعالی و سعادت رهنمون می‌سازد.

### چارچوب نظری

تحقق تمدن نوین اسلامی در سطح بین‌الملل، مستلزم وقوع آن در یک جامعه الگو و پیشرو می‌باشد و بر اساس آنچه که مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) بیان فرمودند، ارایه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مبتنی بر لحاظ عرصه‌های تفکر، علم، زندگی و معنویت است. در این نگاه عرصه معنویت که در واقع روح و جان تمدن نوین اسلامی

۱. بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۷

است، اهمیتش از سایر عرصه‌های تفکر، علم و زندگی بیشتر است و در واقع متن تمامی مؤلفه‌های تمدن ساز در سایر عرصه‌ها را در بر گرفته و بدون آن، هویتی برای تمدن نوین اسلامی باقی نخواهد ماند. به تعبیر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)، «معنویت نه با علم، نه با سیاست، نه با آزادی، نه با عرصه‌های دیگر، هیچ منافاتی ندارد؛ بلکه معنویت روح همه‌ی این‌هاست. می‌توان با معنویت قله‌های علم را صاحب شد و فتح کرد؛ یعنی معنویت هم وجود داشته باشد، علم هم وجود داشته باشد. دنیا در آن صورت، دنیای انسانی خواهد شد؛ دنیایی خواهد شد که شایسته‌ی زندگی انسان است»<sup>۱</sup>. مصداق بارز وجود معنویت در تمدن نوین اسلامی، وجود ایمان و توحید محوری در تمام شئون زندگی انسان است و بدون وجود ایدئولوژی توحید محور نمی‌توان بر ساخت و نوسازی تمدن اسلامی، اقدام نمود. لذا ایمان به خداوند متعال و اعتقاد به وجود خالق هستی‌بخش در نظام گیتی و ظهور و تجلی تشکیکی او در مراتب وجود، از مهم‌ترین باورهای اساسی در لایه‌های مختلف یک تمدن است که این اعتقاد و ایمان، هویت اصلی تمدن‌ها را رقم زده و مسیر تمدنی را در جهت تعالی بشری به ارمان خواهد آورد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۶۹). در این تحقیق بررسی مؤلفه‌های زمینه‌ای (محتوایی) تمدن سازی اسلامی متأثر از این چارچوب بوده لیکن منحصر در نگاه انحصاری در موضوع معنویت و عقاید نیست. بر این اساس مؤلفه‌های محتوایی تمدن سازی اسلامی شامل مجموعه‌ای از باورهای اساسی، ارزش‌ها، گرایش‌ها، بینش‌ها و دانش‌ها می‌باشد که در واقع به عنوان زیرساخت اصلی و روح و جان تمدن بوده و سبب شکل‌گیری آن می‌شود. لذا مقوله ارزش‌های اخلاقی در نگاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) به عنوان یکی از چهار مؤلفه اساسی در تمدن سازی مطرح شده است. چنانچه ایشان معتقدند، ایجاد تمدن اسلامی جدید می‌بایست بر پایه دین، عقلانیت، علم و اخلاق، قرار گیرد.<sup>۲</sup> بنا بر این نگاه مؤلفه‌های زمینه‌ای تمدن سازی اسلامی تنها با بیان فهرستی از عقاید گوناگون اسلامی شکل نگرفته بلکه علاوه

۱. بیانات معظم له مورخ ۱۳۸۹/۹/۱۰

۲. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در اولین اجلاس بیداری اسلامی مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۶

بر توحید محوری در تمدن نوین اسلامی، مطابق تعریفی که از تمدن سازی اسلامی  
ارایه گردید، مؤلفه‌های دیگری نیز در قالب ارزش‌ها و دانش‌ها برای متبلور نمودن  
باورهای اساسی در تمدن جدید اسلامی مطرح است که در این تحقیق اهم آنها مورد  
مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند.

تمدن اخلاق بنیان: از جمله مهمترین مؤلفه‌های زمینه‌ای تمدن سازی اسلامی نظام  
اخلاقی که حاوی نهاد اخلاق و عقلانیت اخلاقی است. حتی برخی اندیشمندان مانند  
دورانت، پیدایش مدنیت را بدون اخلاق انکار نموده‌اند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸:  
۶۵-۶۳). تأکید بر ارزش‌های اخلاقی به عنوان یک عامل همسوگر از مؤلفه‌های اساسی  
برای ساخت تمدن‌های متعالی هستند. چرا که در واقع این هنجارها هستند که باعث  
توسعه هویت جمعی می‌شوند (Acharya, 2002:4). در ابتدا تمدن‌های بزرگی چون  
یونان و روم، اساس تمدنی‌شان بر مبانی اخلاق بوده، ولی بعدها در مسیر تاریخ دچار  
استحاله اخلاقی شده‌اند. در صورتی که تمدن اسلامی اساساً بر محور اصول اخلاقی و  
موازین آن قرار دارد و چون در تمدن اسلامی انسان موجودی شریف و از حیث معنا  
عالم اکبر تلقی می‌شود از اینرو، در این تمدن همه موارد در خدمت اخلاق و انسانیت  
انسان قرار دارد (نرماشیری، ۱۳۹۵: ۱۲۶). «برخورداری از ارزش‌های اخلاقی اسلام  
بدین معنی است که روح فضیلت و پرهیزکاری و وارستگی و بردباری و اجتناب از  
شهوآت ممنوع و دوری از حرص و آز و دنیاطلبی و حق‌کشی و نامردمی و مال‌اندوزی  
و روی آوردن به خلوص و پاکی و پارسایی و دیگر خصلت‌های اخلاقی در جامعه  
رواج یابد و به صورت ارزش‌های اصلی به حساب آید»<sup>۱</sup>.

برای همین «تکامل و تمدن قرآنی، اصالتاً به ابعاد روحانی و معنوی وجود بشر  
مربوط است و ضرورتاً با توسعه مادی همراه نیست، بلکه حتی در مواردی، لازمه تعالی  
معنوی، قناعت، زهد و مصرف کمتر است. برخلاف آنچه در توسعه و تمدن مادی،  
شاخص‌های تعالی و تکامل پنداشته می‌شود، در نظام اعتقادی دینی، در معنایی دیگر و  
در جهت‌گیری خاصی پذیرفته و ارزش گذاری می‌شود. در واقع، لذت جویی‌های

۱. پیام معظم له به ملت شریف ایران در پایان چهلمین روز ارتحال امام خمینی \* مورخ ۱۳۶۸/۴/۲۳

تمدن مادی، که معلول رفاه ناشی از کنترل و تصرف جهان مادی است، در تمدن دینی اصالت خود را از دست می‌دهند و در چارچوب محدودیت‌های اخلاقی و دینی، تعدیل و جهت دهی می‌شوند» (خاکرند و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۰۳).

لذا هنجارها و ارزش‌های اخلاقی باید در تمام عرصه‌های زندگی بشر از علم گرفته تا هنر جریان داشته باشد. هنر اسلامی به عنوان یکی از مفاخر تمدن اسلامی «همواره با گونه‌ای از معنویت آمیخته است و از آن جداشدنی نیست و چنین است که آلودگان تردامن و هرزه‌پیشگان را راهی به ساحت والای هنر نیست» (همتی، ۱۳۸۶: ۳۸). در همین راستا در نظام تمدنی اخلاق بنیان می‌توان ارزش‌های اخلاقی و معنوی در اسلام را در چارچوب: حق فرد، حق جامعه، حق محیط زیست و حق خداوند ارزیابی نمود که می‌بایست میان این ارزش‌ها توازن برقرار ساخت و احکامی مرتبط با اقتضائات زمان و مکان وضع نمود تا مفید راه تمدن‌سازی اسلامی واقع گردد. مثلاً در حقوق فردی و الهی با رعایت چارچوب اخلاق اسلامی و در حقوق اجتماعی و محیط زیست با لحاظ اخلاق حرفه‌ای و کاربردی به گسترش و ترویج ارزش‌های معنوی در سطوح مختلف جامعه برای شکوفایی تمدن اسلامی تلاش نمود.

**عقلانیت دینی:** عقلانیت به معنای منسوب به عقل و عقل در اصل لغت به معنای منع و نهی و جلوگیری است زیرا انسان را از ناپسندی‌ها و زشتی‌ها عقل می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۷-۱۵). قرآن کریم همواره انسان‌ها را دعوت به تعقل و اندیشه می‌کند. تعبیری مانند «أولوالالباب» و «أولوالأبصار» در قرآن فراوان به چشم می‌خورد و همواره انسان‌ها را با تعبیری نظیر «أفلا تعقلون»، «أفلا يتذكرون» تحریض به تعقل و اندیشه در عاقبت امور فرموده است. عقل وسیله‌ای است که انسان را به راه نیک و صواب رهنمون و از راه خطا برحذر می‌دارد. برای همین، ارزش‌های اخلاقی که در تمدن اسلامی بر آن تأکید می‌شود، ارزش‌هایی عقلی هستند. آنچه مهم است این که عقل تزکیه شده مطابق با وحی، سلامت فکر لازم را برای پیشرفت تمدن‌ها فراهم می‌سازد و به خلاف آنچه که در سده‌های میانه در اروپا به عنوان دادگاه‌های تفتیش عقاید سبب قتل ده‌ها هزار اندیشمند و متفکر شد، در اسلام، عقل، مورد باور و اتکاء اساسی در تمدن‌ها محسوب می‌گردد (مدرسی، ۱۳۷۹: ۶۰-۴۶). از اینرو «اگر جهان

اسلام را با تمدن‌های چینی، هندی و ژاپنی مقایسه کنیم، مشاهده خواهیم کرد که ظرفیت عقلی در آن‌ها در مقایسه با تمدن اسلام نحیف است. بنابراین زود وابسته می‌شوند و اصالت خود را از دست می‌دهند» (ره‌دار، ۱۳۹۲: ۲۲۵). عقلانیت در اسلام در سه سطح مطرح است:

۱. عقلانیت بنیادین: شناخت فلسفه حیات و موقعیت حساس و استثنایی انسان در آن و شأن و جلالت عقل در تنظیم رابطه انسان با خود، جهان و خدا.
  ۲. عقلانیت ارزشی: شأن عقل در تنظیم رابطه انسان و معماری اخلاقیات.
  ۳. عقلانیت ابزاری: مهندسی و اندازه‌گیری، نظم و پیش‌بینی و نقش عقل در محاسبات معیشتی برای نیل به اقتصادی شکوفا و تمدنی آباد و مرفه.
- عقلانیت خودبنیاد و غربی، تنها ساحت سوم را در نظر دارد؛ اما عقلانیت اسلامی در موالات و ترتیبی منطقی، وقتی سنگ بنای عقلانیت را جعل و مختصات و اهداف آن را ترسیم نمود، به تنظیم اخلاقیات پرداخته و نهایتاً به روش‌ها و ابزار تأمین مادی و معنوی بشر اهتمام می‌ورزد (رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۷۸: ۱۰۷). حتی ماکس وبر عقلانیت را در باورهای مذهبی می‌جوید و عقلانی شدن مذهب را به عامل درونی یعنی پیامبر اکرم ﷺ نسبت می‌هد (خاکرند، ۱۳۹۰: ۱۵۵). البته عقلانیتی که محور تمدن غرب و دنیای مدرن است و بیش از همه فضیلت یافته، عقلانیت ابزاری است چرا که دنیای مدرن با پشت کردن به عقل قدسی و عقل شهودی تنها به حس‌گرایی بسنده کرده و پرچم روشنگری در جهان خارج را به دوش گرفته است و این در حالی است که عقل ابزاری حتی نزد فلاسفه حس‌گرای غرب توان داوری درباره ارزش‌ها، وجود انسان، زندگی و مرگ، بایدها و نبایدها را ندارد (پارسانیا، ۱۳۹۵: ۱۰۴-۹۳).

به هر ترتیب، رجوع به عقلانیت در پیشبرد اهداف تمدنی تا آنجا است که اصول کار سید جمال به عنوان مصلح عالم اسلام (حکیمی، ۱۳۸۳ الف: ۶) در احیای اندیشه دینی یعنی خردگرایی، نفی تقلید (کورکورانه)، خرافه‌زدایی، تصفیه اندیشه دینی، پرهیز از تک‌نگری در دین و اجتهاد مستمر همگی بر محور عقلانیت قرار داشتند (حسینی، ۱۳۸۱: ۲۰۰-۱۹۹). در جوامع متمدن دارای عقلانیت، ظرفیت لازم برای تحمل رویکردهای انتقادی به ویژه از طرف مخالفان فراهم است. چرا که «روح خردگرایی در

بستر آزاداندیشی رشد می‌کند و به حقیقت خود بار می‌یابد» (عقاد، ۱۳۷۱: ۳۷). از طرفی «تاریخ نشان می‌دهد که اسلام رشد و بالندگی خود را در عرصه بحث و مناظره و حضور مخالفان خود یافته و توانایی خود را در عرصه اندیشه به ظهور می‌رساند، بدون حضور مخالفان و نقادان سرسخت، دین دچار رکود و خمودی و سطحی‌نگری می‌گردد (فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۶۳). عقلانیت مورد نظر در تمدن سازی اسلامی به معنای مقبولیت عرفی (غلامی، ۱۳۸۳: ۳۱) بوده و ناظر به معنای فلسفی آن نبوده و به معنای مجموعه‌ای از گرایش‌ها، بینش‌ها و باورهای جمعی است که در امور اجتماعی و کار جمعی تأثیر دارد. این عقلانیت اجتماعی با عقلانیت فلسفی منافات نداشته و می‌تواند برخاسته از گزاره‌های فلسفی هم باشد. برای مثال در حوزه سیاست مسائلی مانند دولت، قدرت، مشروعیت و در حوزه فرهنگ؛ مقولات انسان، دین، جامعه، زندگی و در حوزه اقتصاد مسائلی مانند کار، طبیعت، ثروت و بسیاری موضوعات دیگر که در این راستا تعریف می‌شوند، از این نقطه آغاز شده و جهت پیدا می‌کنند. اینکه حکومت‌ها دین‌محور باشند یا سکولار، سرمایه‌داری باشند یا سویالیستی، دولت سالار باشند یا نه، برخاسته از همین اصول عقلی است که بر اساس آن گفتمان سیاسی و اجتماعی را ایجاد نموده‌اند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۴۱-۴۰). بنابراین عقلانیت به عنوان مؤلفه‌ای اساسی در تمدن سازی اسلامی که می‌تواند از عقل نظری هم استفاده نماید، با اتخاذ مبانی اسلامی و عرضه آن در جامعه دین‌مدار، قادر به تعیین چارچوب‌های ساخت نظام‌های مختلف به دور از هرگونه جزم‌اندیشی، تحجر و افراط‌گرایی، دنیاگرایی و مادی‌انگاری در تمدن نوین اسلامی خواهد بود.

**نهضت علمی:** بر اساس فرمایش‌های مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) شد، عرصه دیگری که در بُعد محتوایی تمدن سازی اسلامی باید بدان پرداخته شود، عرصه علم است. هر تمدنی از یک نظام علمی قدرتمند، پویا و زاینده برخوردار بوده (رحیمی، ۱۳۹۳: ۲) و استاد مطهری نیز یکی از علت‌های اصلی پیدایش تمدن اسلامی را تأکید اسلام بر موضوع تعلیم و تعلم معرفی نموده است (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۲۴: ۳۹۵). به جرأت می‌توان ادعا کرد آنچه امروز، غرب، به عنوان تکنولوژی و صنعت، مطرح و به خود بالیده و فخر آن را به ملت‌های مسلمان فروخته و آن را سبب سلطه خود بر آنان داشته، مدیون



نهضت علمی دانشمندان مسلمان در قرون گذشته می‌باشد. گوستاوو لوبون در این باره می‌نویسد: «تا مدت پانصد سال مدارس اروپا روی کتب و مصنوعات مسلمین دایر بود و همان‌ها بودند که اروپا را از لحاظ علم و عمل و اخلاق تربیت کرده و داخل در طریق تمدن نمودند. ما وقتی که به تحقیقات علمی و اکتشافات فنی آنان نظر می‌افکنیم، می‌بینیم: هیچ ملتی نیست که در این مدت کم، بیشتر از آن‌ها ترقی کرده باشد» (لوبون، ۱۳۳۴: ۷۳۵). مطالعه تاریخ تمدن اسلامی نشان می‌دهد، تولید علم در دنیا در قرن چهارم هجری به اوج خود رسید. لذا آدام متز<sup>۱</sup> کتاب «تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری» را نوشت و در آن نشان داد که «تمام محیط اسلامی، اصلاً بازار علم دنیاست، و آن نقطه اصلی‌اش هم ایران است».<sup>۲</sup> به هر حال «اگر این اندازه اولیای اسلام بر فضیلت دانش و دانش‌اندوزی تأکید نکرده بودند، هرگز تمدن اسلامی بدین پایه از عظمت نمی‌رسید» (ولایتی، ۱۳۸۴: ۲۵). «این تأکید و تشویق‌ها در باره علم سبب شد که مسلمانان با همت و سرعت بی‌نظیری به جست و جوی علم در همه جهان پرداختند. بنابراین ساخت تمدن اسلامی ناب بر اساس علم و ایمان است و امروز که صحبت از تمدن سازی اسلامی در جهان اسلام مطرح است، با همین جهان بینی «باید کشورهای اسلامی از لحاظ علم و فناوری پیشرفت کنند... غرب و آمریکا به برکت علم توانستند بر کشورهای دنیا مسلط شوند؛ یکی از ابزارهاشان علم بود؛ ثروت را هم با علم به دست آوردند. البته مقداری از ثروت را هم با فریب‌گری و خباثت و سیاست به دست آوردند، اما علم هم مؤثر بود. باید علم پیدا کرد».<sup>۳</sup> لذا گرچه «علم پایه تمدن است؛ اما شرط کافی برای یک مدنیت درست نیست. نتیجه علم منهای ایمان به غیب، همین می‌شود که امروز در دنیا می‌بینید. ببینید امروز علم با همه شرافت و ارزشش، در دست جهان‌خواران و دیوانه‌های زنجیری بین‌المللی به چه تبدیل شده است! نه حقی

#### 1. Adam Mez

۲. بیانات معظم له در دیدار اعضای گروه دانش صدای جمهوری اسلامی ایران مورخ ۱۳۷۰/۱۱/۱۵.

۳. بیانات معظم له در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۱.

برای انسان، نه حقی برای ملت‌ها.<sup>۱</sup> بنابراین تعامل میان علم و تمدن اسلامی، تعاملی دوسویه است، بدین معنا که همان گونه که اسلام، نقشی اساسی در تولد، توسعه و تبلور بسیاری از شاخه‌های علم و دانش داشته است، علوم و نهادهای علمی نیز همچون اهرمی مستحکم در راستای احیاء تمدن اسلامی، می‌توانند مدد رسان ما باشند (صادقی خرم دشتی، ۱۳۹۴: ۷۲۳). باید توجه داشت در تمدن نوین اسلامی به دنبال علم از جنس غربی آن نیستیم. چرا که علم در تمدن غرب بر اساس ارضای نفس اماره توسط فرانسیس بیکن<sup>۲</sup> پایه‌گذاری شد (طاهرزاده، ۱۳۸۹: ۴۰۷). علم غربی در خدمت روح تکنیک است نه حقیقت و در اختیار بشر نیست. در حالی که در تمدن مورد نظر اسلام چون هدف اصلی تعالی انسان است، ابزارها قدرت حکومت بر انسان‌ها را نداشته و تلاش انسان در آن تمدن برای آزاد شدن از حکومت ابزارهاست و توجه جامعه بیشتر به عالم غیب و ابزار ارتباط با آن عالم است (همان: ۲۱۰).

بنابراین «منظور از «علم و دانش» در اینجا، لزوماً علوم و دانش‌های سکولار سازنده تمدن مدرن نیست. همچنان که غرب جدید برای تحقق ارزش‌های مادی یا دین‌گريزانه خویش و ساخت تمدن مادی به تولید علوم و دانش‌های سکولار دست یازید، پایه‌گذاری تمدن اسلامی نیز نیازمند ابزارهای علمی و کارشناسی‌های متناسب با نظام ارزشی و هستی‌شناس اسلامی است. این معنا هم چیزی است که به اجمال «جهت‌داری علوم» می‌نامیم» (جمالی، ۱۳۹۲: ۴۵). در واقع «علم می‌تواند به عنوان دستگاهی از فعالیت‌های انسانی ملاحظه شود؛ اگرچه ممکن است افراد بسیاری با این تعریف موافق نباشند. برای عده‌ای، علم، صرف یک روش، یک روش‌شناسی عینی برای تشخیص واقعیت‌های قابل آزمون است. برای عده‌ای دیگر، علم یک دستگاه منسجم و بدنه در حال رشد معرفت عمومی است که از اطلاق جمعی آن، متدولوژی نتیجه شده است. ما علم را به عنوان ترکیب پیچیده‌ای از تمام دیدگاه‌های فوق در نظر می‌گیریم، تا متمایل به ارزش باشد و علم به عنوان یک فعالیت فرهنگی تلقی گردد. یک فعالیتی که به وسیله جهان بینی فاعل

۱. بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار اساتید دانشگاه شهید بهشتی مورخ ۱۳۸۲/۲/۲۲

2. Francis Bacon

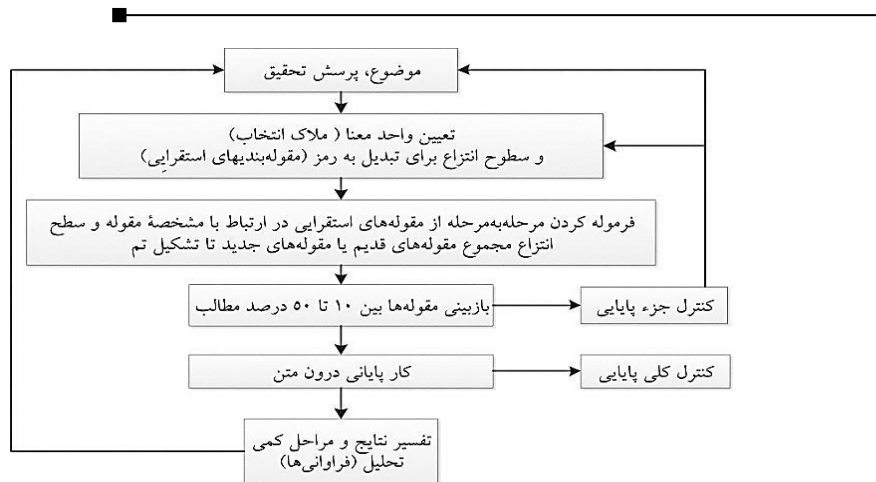
شناسایی شکل می‌یابد» (Sardar, 1977, p21). بنابراین موضوع مهم و اساسی در تمدن نوین اسلامی موضوع تولید علوم تمدن ساز مبتنی بر نظام ارزشی اسلام ناب است و به تعبیر مقام معظم رهبری نیاز به ایجاد جنبش نرم افزاری در علم می‌باشد. از طرفی مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) تولید علم را به معنای شکستن مرزهای علم و دانش می‌دانند. لذا میان دو مقوله تحصیل علم و تبحر در علم تفاوت قائلند. تبحر در علم شرط لازم است اما کافی نیست. هدف از تحقیق و پژوهش تولید علم است و نباید به فراگیری محض از دیگران قانع بود از اینرو نیاز به یک جنبش نرم‌افزاری تولید علم می‌باشد (معینی، ۱۳۸۷: ۲۱۸). بنابراین برای نیل به سمت تمدن نوین اسلامی نیازمند به یک جنبش عظیم نرم افزاری در علم می‌باشیم تا بر اساس آموزه‌ها و الگوهای اسلامی، فقه تمدن ساز و تحول اساسی در علوم انسانی قادر بر تولید علوم تمدن ساز شویم.

### روش‌شناسی

رویکرد این تحقیق، اکتشافی و با روش آمیخته بوده که ترکیبی از روش‌های تحقیق کمی و کیفی است. ادبیات مورد نیاز تحقیق با تکنیک فیش‌برداری و استفاده کلیه منابع، متون، تحقیقات معتبر در دسترس و دربردارنده ادبیات نظری موجود اندیشمندان، مدارک و اسناد مرتبط با موضوع تمدن سازی اسلامی بدست آمده است. در روش کیفی پس از مصاحبه با ۱۲ تن از خبرگان با روش تحلیل محتوای عرفی با رویکرد استقرایی تا رسیدن به اشباع نظری، مؤلفه‌های محتوایی تمدن سازی اسلامی برآورد شده است.

تحلیل محتوای عرفی معمولاً در طرحی مطالعاتی به کار می‌رود که هدف آن شرح یک پدیده است. در این حالت پژوهش‌گران از به کارگرفتن مقوله‌های پیش‌پنداشته می‌پرهیزند و در عوض ترتیبی می‌دهند که مقوله‌ها از داده‌ها ناشی شوند. در این حالت، محققان خودشان را بر امواج داده‌ها شناور می‌کنند تا شناختی بدیع برایشان حاصل شود. بنابراین از طریق استقرا، مقوله‌ها از داده‌ها ظهور می‌یابند. این حالت را مایرینگ مقوله استقرایی<sup>۱</sup> نامیده است (ایمان، ۱۳۹۰).

1. P. Mayring, Op.Cit



نمودار ۱: مدل مرحله کاربرد مقوله استقرایی (ایمان، ۱۳۹۰)

واحد تحلیل، مضمون بیانات خبرگان و روش انتخاب نمونه نیز هدفمند و منطبق با نظرات خبرگان در موضوع مورد تحقیق خواهد بود. در حجم نمونه نیز، هنگامی که مقوله‌ها و مفاهیم به لحاظ نظری به حد اشباع برسند و داده‌های جدیدی بدست نیاید، نمونه‌گیری پایان خواهد یافت.

در روش کمی پژوهش جهت تأیید مدل مفهومی تحقیق از طریق پیمایش خبرگی و تهیه پرسشنامه برای اعتبارسنجی، تعیین اهمیت و اولویت‌بندی هر یک از مؤلفه‌ها اقدام شده است. ابتدا محور مؤلفه‌های بدست آمده در اختیار ۱۲ نفر از استادان و خبرگان قرار گرفت و پس از بررسی نظرات خبرگان، اصلاحات لازم در پرسشنامه اولیه اعمال و مجدداً پرسشنامه در بین ۱۰ نفر از استادان حوزه و دانشگاه توزیع و پس از رفع اشکالات، پرسشنامه نهایی با مقیاس سنجش رتبه‌ای و بر اساس طیف (لیکرت) پنج گزینه‌ای از (خیلی کم) تا (خیلی زیاد) تنظیم و با توجه به راهبردی بودن موضوع مورد تحقیق (با فرض برابری جامعه آماری و حجم نمونه،  $N=n$ ) در میان بیش از ۷۰ نفر از خبرگان واجد شرایط این پژوهش به عنوان جامعه آماری مورد مطالعه، توزیع که تعداد ۵۰ پرسشنامه مورد قبول، دریافت گردید. میزان روایی پرسشنامه با واریانس: ۶,۲۶۵ معادل ۷۹,۱۷۴ درصد برآورد گردید که مبین طراحی مطلوب گویه‌های پرسشنامه در ایجاد فهم مشترک میان خبرگان بوده و میزان پایایی پرسشنامه بر اساس روش آلفای

کرونباخ، معادل ۹۲۳. تعیین گردید که مبین عالی بودن قابلیت اعتماد پرسشنامه است. داده‌های مرتبط با سؤالات جمعیت شناختی با استفاده از فنون آمار توصیفی مانند «فراوانی - درصد فراوانی - فراوانی تجمعی» و داده‌های مربوط به پرسشنامه به کمک فنون آمار استنباطی مانند آزمون تی یک نمونه، آزمون تحلیل عاملی و آزمون فریدمن با بهره‌گیری از نرم افزار SPSS انجام شده است.

### نتایج مصاحبه با خبرگان

جدول ۱: تحلیل مفاهیم مؤلفه‌های زمینه‌ای تمدن سازی اسلامی از نظر خبرگان

شمارگان خبره	گزیده متن مصاحبه	کلید واژه	مفهوم سازی	نشانگر
خبره ۱	علم نقش بسیار مهمی در تمدن سازی اسلامی دارد. لذا باید با علوم و فنون جدید آشنا شد و مهارت پیدا کرد.	علم	علوم و فنون	ت/۱
	در نظام تمدنی نوین اسلامی عقلانیت و حیانی باید ناظر به تمام عقلانیت‌های دیگر باشد.	عقلانیت	عقلانیت و حیانی	ت/۲
	روح تمدن اسلامی را توحید می‌دانم.	توحید	توحید محوری	ت/۳
خبره ۲	تمدن از طریق اسباب پیشرفت مادی و رساندن انسان‌ها به مقصد نهایی یعنی قرب الهی صورت می‌پذیرد و لازمه این قرب توجه لازم به مقوله حرکت انسان به سمت ابدیت خواهد بود.	حرکت ابدی	حرکت به سمت ابدیت	ت/۴
	وجود علوم انسانی کارآمد جزء بنیان‌های ساخت تمدن نوین اسلامی است.	علوم انسانی کارآمد	علوم انسانی کارآمد	ت/۵
خبره ۳	علوم انسانی متناسب با نیاز روز جامعه اسلامی باید تولید شود.	تولید علوم انسانی	تولید علوم انسانی - اسلامی	ت/۶

ت/۷	آموزه‌های قرآن و سنت	آموزه‌های قرآن و اهل‌البیت <small>علیهم‌السلام</small>	منابع تمدنی اسلام بر محور قرآن و آموزه‌های اهل‌البیت <small>علیهم‌السلام</small> بنا شده است.	
ت/۸	ایمان به خدا	ایمان به خدا متعال	ایمان به خدای متعال سرلوحه تمدن اسلامی است.	
ت/۹	اندیشه استوار	منطق اندیشه‌ای	تمدن زمانی که اندیشه‌های ما بر اساس منطقی مستحکم شکل گیرد امکان ساختش فراهم می‌شود.	خبره ۴
ت/۱۰	توسعه علم و فناوری	علم و فناوری	توسعه فناوری و علم جزء عوامل تمدن سازی اسلامی است.	
ت/۱۱	ایمان به معاد	اعتقاد به روز جزا	اعتقاد به روز جزا نظام ارزش گذاری در زندگی دنیوی را در تمدن نوین اسلامی جهت می‌بخشد.	
ت/۱۲	انسان فکور متأله	انسان فکور	در تمدن اسلامی مدار حرکت بر انسان فکور با محوریت ارزش‌های اسلامی استوار گشته است.	خبره ۵
ت/۱۳	علم ابزاری در اقتصاد	علم ابزاری	نیاز به علم ابزاری به ویژه در حوزه علم اقتصاد داریم.	
ت/۱۴	نظام مناسک دینی	نظام مناسک معنوی	نظام مناسک دینی و معنوی سبب تمدن سازی اسلامی می‌شود.	
ت/۱۵	بسیج علمی	بسیج نهادهای علمی	برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی باید نیروها و نهادهای علمی بسیج شوند.	خبره ۶
ت/۱۶	ارزش‌های معنوی توحیدی	ارزش‌های دینی	توجه به معنویت و ارزش‌های دینی بر مدار توحید اساس تمدن اسلامی است.	
ت/۱۷	تبیین علمی همه جانبه	تبیین علمی	تمدن سازی نیاز به تبیین علمی در همه عرصه‌ها دارد.	خبره ۷
ت/۱۸	نظام فکری عقل محور	نظام فکری	نظام فکری و عقلی در تمدن سازی نقش بی بدیلی دارد.	

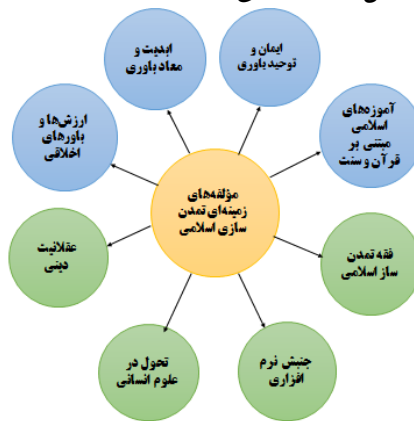
ت/۱۹	تولید علوم بومی و اسلامی	تولید علم بومی و اسلامی	حوزه علم بدون تقلید از غرب باید مؤلفه‌های بومی و اسلامی خودش را داشته باشد.	خبره ۸
ت/۲۰	فکر نظام‌مند معطوف به پیشرفت	فکر نظام‌مند	برای تمدن سازی اسلامی باید فکر نظام‌مند معطوف به پیشرفت داشت.	
ت/۲۱	علوم تجربی کارآمد	علوم تجربی	استفاده از علم تجربی برای ساخت تمدن اسلامی ضروری است.	خبره ۹
ت/۲۲	فقه پویا	فقه	ایجاد تمدن نوین اسلامی نیاز به وجود فقه پویا در تمام عرصه‌های اجتماعی دارد.	
ت/۲۳	علم و فکر	اندیشه و علم	اندیشه و علم اساس ساخت تمدن نوین اسلامی است.	خبره ۱۰
ت/۲۴	تحول فقهی	تحول روشی در فقه	علمای دینی باید در زمینه رفع نیازهای تمدنی در جهان اسلام با تحول در روش‌های فقهی راه رسیدن به تمدن نوین اسلامی را هموار سازند.	
ت/۲۵	جهاد علمی	جهاد علمی	برای تمدن سازی وجود حرکت جهادی در علم بسیار حائز اهمیت است.	
ت/۲۶	سیاست عقلانی مبتنی بر دین	سیاست دین محور	سیاست توأمان با دیانت، خرد و عقلانیت سبب ساخت تمدن اسلامی خواهد بود.	خبره ۱۱
ت/۲۷	تولید علم بومی	تولید علم	تولید علم بومی برای ساخت تمدن نوین اسلامی نیاز است.	
ت/۲۸	وجود نظام پاداش و عقاب الهی	باور به روز جزا	تمدن سازی اسلامی مبتنی بر باور به نظام جزا و عقاب در قیامت شکل می‌گیرد	
ت/۲۹	احیای تفکر اسلامی	تفکر اسلامی	باز خوانی تمدن اسلامی نیاز به احیای تفکر اسلامی دارد.	خبره ۱۲
ت/۳۰	خردورزی	کرامت و خرد	تمدن اسلامی باید کرامت و خرد تولید نماید.	
ت/۳۱	انسان متکامل	انسان متکامل	هسته مرکزی تمدن اسلامی انسان متکامل الهی است.	

جدول ۲: مقوله‌پردازی مفاهیم مؤلفه‌های زمینه‌ای تمدن سازی اسلامی

ردیف	مفاهیم	مستندات	مقوله‌ها
۱	علوم و فنون، تولید علم بومی، جهاد علمی، توسعه علم و فناوری، تولید علم بومی و اسلامی، علم ابزاری در اقتصاد، تبیین علمی همه جانبه، علم و فکر، علوم تجربی کارآمد، بسیج علمی	ت/۱+ ت/۲۷+ ت/۲۵+ ت/۱۰ ت/۱۹+ ت/۷+ ت/۲۵ ت/۲۳+ ت/۲۱+ ت/۱۵	جنبش نرم افزاری در علم
۲	توحید محوری، ایمان به خدا، ارزش‌های معنوی توحیدی،	ت/۳+ ت/۸+ ت/۱۶	ایمان و خداپابوری
۳	تحول فقهی، فقه پویا	ت/۲۴+ ت/۲۲	فقه تمدن ساز
۴	انسان متکامل، سیاست عقلانی مبتنی بر دین، احیای تفکر اسلامی، نظام مناسک دینی، آموزه‌های قرآن و سنت، توحید محوری	ت/۳۱+ ت/۲۶+ ت/۲۹ ت/۱۴+ ت/۷	آموزه‌های اسلامی
۵	ایمان به معاد، وجود نظام پاداش و عقاب الهی، حرکت به سمت ابدیت	ت/۱۱+ ت/۲۸+ ت/۴	ابدیت و معادباوری
۶	انسان فکور متأله، خردورزی، سیاست عقلانی مبتنی بر دین، فکر نظام‌مند معطوف به پیشرفت، احیای تفکر اسلامی، نظام فکری عقل محور، عقلانیت و حیانی، علم و فکر، اندیشه استوار	ت/۱۲+ ت/۳۰+ ت/۲۶ ت/۲۰+ ت/۲۹+ ت/۱۸ ت/۳۲+ ت/۲۳+ ت/۹	عقلانیت دینی
۷	تولید علوم بومی و اسلامی، علوم انسانی کارآمد، احیای تفکر اسلامی، تولید علوم انسانی- اسلامی، بسیج علمی	ت/۱۹+ ت/۵+ ت/۲۹ ت/۶+ ت/۱۵	تحول در علوم انسانی



بر این اساس یافته‌های تحقیق که مبین مؤلفه‌های زمینه‌ای تمدن سازی اسلامی است به شرح نمودار ذیل قابل مشاهده می‌باشد.



نمودار ۲: مؤلفه‌های زمینه‌ای تمدن سازی اسلامی (یافته‌های تحقیق)

### تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

بر اساس ادبیات نظری پیش‌گفته و مصاحبه با ۱۷ تن از خبرگان اهم مؤلفه‌های محتوایی مؤثر در تمدن سازی اسلامی به شرح جدول ذیل احصاء گردیدند.

جدول ۱: تحلیل توصیفی پرسشنامه

بُعد	گویه‌ها	درصد تأثیر گویه‌ها از منظر خبرگان				
		خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
محتوایی	اعتقاد و ایمان به خدا	۹۰٪	۱۰٪	۰٪	۰٪	۰٪
	اعتقاد و ایمان به رستاخیز	۸۰٪	۱۴٪	۶٪	۰٪	۰٪
	آموزه‌های اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت	۸۲٪	۱۸٪	۰٪	۰٪	۰٪
	ارزش‌ها و باورهای اخلاقی	۶۴٪	۳۰٪	۶٪	۰٪	۰٪
	فقه تمدن ساز اسلامی	۵۸٪	۲۴٪	۱۴٪	۰٪	۰٪
	عقلانیت دینی	۷۴٪	۲۰٪	۶٪	۰٪	۰٪
	جنبش نرم افزاری در علم	۵۸٪	۲۸٪	۱۶٪	۰٪	۰٪
	تحول در علوم انسانی	۵۸٪	۲۰٪	۱۶٪	۶٪	۰٪

همانطور که مشاهده می‌شود از نظر جامعه خبرگی، مؤلفه ایمان و خدا باوری و آموزه‌های اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت از بالاترین تأثیر در بعد محتوایی تمدن سازی اسلامی برخوردار بوده و بعد از آن مؤلفه‌های معاد باوری، عقلانیت دینی و باورهای اخلاقی در یک تراز تأثیر قرار گرفته‌اند. در مجموع از نظر خبرگان، کلیه مؤلفه‌های بعد محتوایی در تمدن سازی اسلامی مؤثر هستند.

### تحلیل‌های استنباطی گویه‌های پرسشنامه

داده‌های جمع‌آوری شده به کمک نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای این منظور فرضیاتی به شرح زیر تدوین و با استفاده از آزمون T یک نمونه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. قبل از انجام آزمون یادشده، به منظور حصول اطمینان از نرمال بودن توزیع داده‌های بدست آمده از طریق پرسشنامه، آزمون کولموگروف-اسمرینوف انجام گردید که نتایج آن به شرح زیر می‌باشد.

برای این منظور فرضیه‌ای به شکل زیر مطرح و سپس مورد آزمون قرار گرفت.

H0: توزیع داده‌های متغیرها نرمال است.

H1: توزیع داده‌های متغیرها نرمال نیست.

جدول ۲: آزمون کولموگروف-اسمرینوف گویه‌های پرسشنامه

نتیجه آزمون	سطح معناداری	مقدار K-S محاسبه شده	انحراف معیار	میانگین	متغیرها
نرمال نیست	.000	.198	.41443	4.5694	بعد زمینه‌ای تمدن سازی اسلامی

آزمون مرتبط با بررسی اهمیت بعد زمینه‌ای تمدن سازی اسلامی

H0: مؤلفه‌های زمینه‌ای تمدن سازی اسلامی مستقل از بعد زمینه‌ای است.

H1: مؤلفه‌های زمینه‌ای تمدن سازی اسلامی در بعد زمینه‌ای دارای اهمیت است.

جدول ۳: آزمون Binomeal: اهمیت بُعد زمینه‌ای تمدن سازی اسلامی

نتیجه آزمون	سطح معناداری	درصد پاسخ‌های مشاهده شده	حجم نمونه	طبقات	متغیر	آزمون
تأیید H1	.۰۰۰	۰	۰	$\leq$	بعد زمینه‌ای تمدن سازی اسلامی	توزیع دو جمله‌ای Binomeal
		۱۰۰	۵۰	$>$		
*P<0/05 ، **P<0/01 و N =50						

به منظور بررسی اهمیت بعد زمینه‌ای تمدن سازی اسلامی از معادل آزمون (T یک نمونه‌ای) در آزمون‌های ناپارامتریک یعنی آزمون توزیع دو جمله‌ای استفاده گردید. مطابق خروجی جدول، چون سطح معناداری کمتر از میزان خطای ۰/۰۵ محاسبه گردید، فرض H1 مورد تأیید واقع می‌گردد. این بدان معناست که مؤلفه‌های زمینه‌ای تمدن سازی اسلامی در بُعد مربوطه دارای اهمیت می‌باشد. فراوانی پاسخ‌ها در جدول بالا نیز مبین این است که تمامی اعضای جامعه پاسخ دهنده معتقدند که بعد مذکور دارای اهمیت زیاد و خیلی زیاد است.

### تحلیل‌های عاملی گویه‌های پرسشنامه

در این قسمت به منظور بررسی این موضوع که آیا مؤلفه‌های احصاء شده با بُعد محتوایی مرتبط هستند یا خیر؟ از فن تحلیل عاملی استفاده می‌گردد. در اصطلاح ساده‌تر به این فرآیند، بررسی روایی سازه نیز می‌گویند. این فن یکی از فنون تقلیل داده می‌باشد که بسیار پیشرفته و فنی است. از این شیوه برای تعیین بار عاملی هر یک از سؤالات پرسشنامه استفاده می‌شود. به طور کلی با بکارگیری این فن می‌توان مربوط بودن سؤالاتی که برای سنجش یک مؤلفه یا عامل در نظر گرفته شده‌اند، تعیین نمود که در این صورت به آن تحلیل عاملی تأییدی می‌گویند. در آزمون تحلیل عاملی چنانچه بار عاملی محاسبه شده کمتر از ۰/۴ به دست آید به معنای آن است که مؤلفه‌ها با بُعد محتوایی ارتباطی ندارند.

جدول ۴: بار عاملی بُعد زمینه‌ای تمدن سازی اسلامی

بار عاملی	مؤلفه‌ها	بُعد
.491	اعتقاد و ایمان به خدا	زمینه‌ای
.691	اعتقاد و ایمان به رستاخیز	
.416	آموزه‌های اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت	
.657	ارزش‌ها و باورهای اخلاقی	
.608	فقه تمدن ساز اسلامی	
.463	عقلانیت دینی	
.503	جنبش نرم افزاری در علم	
.737	تحول در علوم انسانی	

چنانچه در جدول فوق ملاحظه می‌شود بار عاملی تمام مؤلفه‌های محتوایی تمدن سازی اسلامی بالاتر از ۰/۴ بوده و نشان‌دهنده ارتباط آنها با بُعد محتوایی تمدن سازی اسلامی است. لذا در مرحله بعدی نسبت به تعیین رتبه هر یک از مؤلفه‌ها نسبت به یکدیگر در بُعد محتوایی اقدام می‌شود.

تحلیل‌های رتبه بندی اهمیت بُعد زمینه‌ای تمدن سازی اسلامی

H0: اولویت اهمیت مؤلفه‌های بُعد زمینه‌ای یکسان است.

H1: حداقل، اولویت دو مؤلفه از مؤلفه‌های بُعد زمینه‌ای با هم متفاوت است.

جدول ۵: آزمون رتبه بندی میانگین مؤلفه‌های بُعد زمینه‌ای

رتبه میانگین	مؤلفه‌ها	ردیف
6.70	اعتقاد و ایمان به خدا	۱
6.35	آموزه‌های اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت	۲
6.29	اعتقاد و ایمان به رستاخیز	۳
6.01	عقلانیت دینی	۴
5.59	ارزش‌ها و باورهای اخلاقی	۵
5.11	جنبش نرم افزاری در علم	۶
4.99	فقه تمدن ساز اسلامی	۷
4.72	تحول در علوم انسانی	۸

007/000 ,  $\chi^2= 74$  , sig= 50 Df= 9 , N=

بر اساس خروجی جدول فوق، چون سطح معناداری کمتر از میزان خطای ۰۵٪ به دست آمده، فرض H1 مورد تأیید واقع می‌گردد. این بدان معناست که اولویت همه مؤلفه‌های بُعد محتوایی یکسان نیست و از نظر اهمیتی که دارند با هم تفاوت معنادار دارند. میانگین تأثیر مؤلفه‌ها از بیشترین به کمترین در جدول نمایش داده شده است.

همانطور که در جدول رتبه‌بندی ملاحظه می‌شود اعتقاد و ایمان به خدا در میان سایر مؤلفه‌ها از بالاترین تأثیر در تمدن‌سازی اسلامی برخوردار است یعنی جنبه معنوی تمدن نوین اسلامی در پرتوی ایمان و توجه به توحید است که به عنوان ملاک اصلی سعادت و شقاوت یک جامعه متمدن نیز به شمار می‌آید. هر تمدنی حقیقت و ظاهری دارد، ظاهر تمدن را به چشم می‌بینیم و آن عبارت از ثروت، قدرت، صنعت، تجارت، قوانین و عادات و رسوم اجتماعی و علم و ادب است، اما حقیقت تمدن که در نتیجه مطالعه اوضاع استنباط می‌شود، عبارت از: خوبی یا بدی، خوشبختی و یا بدبختی کسانی است که در پرتو آن تمدن زندگی می‌کنند (زیدان، ۱۳۸۶: ۲۱۸) و خوشبختی حقیقی هم در ذیل ایمان و خداباوری و ظهور و بروز آن در تمدن‌ها حاصل می‌شود.

بر همین اساس بود که بنای والا و شکوهمند تمدن اسلامی بر پایه توحید و خدامحوری استوار گردید که در ساختن آن خردمندترین مسلمانان از سرزمین‌های مختلف با ایمان و اشتیاق به اسلام و کسب رضایت پروردگار مشارکت داشتند (گلی‌زواره، ۱۳۸۹: ۴۹). ایمان به خدا و ایجاد یک نظام توحیدی سبب پیشرفت تمدن‌ها شده و هرگاه مسلمانان از مدار ایمان و توحید خارج شدند، دچار انحطاط گشتند.

چنانچه گوستاولوبون درباره اختلاف مسلمانان و دور شدن آنان از اسلام و پیشوایان دینی و در نتیجه انحطاط و ذلت مسلمانان می‌نویسد: «مسلمانان زمانی که قبول اسلام نمودند، همگی تحت لوای توحید مجتمع گردیدند؛ تمام قوای خود را متوجه بیگانگان نمودند و همین موضوع سبب عمده پیشرفت و کامیابی آنان گردید و هنگامی هم که دشمنی برای پیکار باقی نماند، عادت مذکور مجبورشان ساخت که مانند ایام پیشین (دوره جاهلیت) مشغول جنگ شوند و همان چیزی که موجب ترقی آنان بود، (بر اثر عدم رهبری صحیح در عصرهای بعد) موجب انحطاط و زوال آنان گردید» (لوبون، ۱۳۳۴: ۷۹۰). بنابراین اساسی‌ترین مؤلفه تمدن‌ساز در اسلام، مقوله ایمان به

مبدأ هستی و توجه به بعد غیبی و معنویت در تمام شئون به لحاظ نظری و عملی است. بدین معنا که «در قلب اسلام حقیقت خداوند قرار دارد... و حقیقت مرکزی اسلام در تمامی جنبه‌های آن است و شهادت به این یگانگی که توحید نامیده می‌شود، محوری است که کلیه امور اسلامی حول آن می‌گردد» (نصر، ۱۳۸۵: ب: ۲۳).

بنا به آنچه از مقوله ایمان و خدا باوری طرح شد، این مؤلفه نه تنها محور اصلی تمدن سازی اسلامی را شکل می‌دهد بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف عالی تمدن نوین اسلامی نیز می‌باشد. بدین معنا که تمام تلاش‌های صورت گرفته برای احیای تمدن اسلامی و پیشرفت ابعاد مادی و معنوی، همگی در جهت نیل به تعالی فرهنگی و قرب پروردگار معنا پیدا می‌نماید.

نتایج حاصل از آزمون فریدمن نشان می‌دهد مؤلفه آموزه‌های اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت بعد از توحید محوری از بالاترین بار عاملی و اولویت در میان مؤلفه‌های محتوایی تمدن سازی اسلامی برخوردار است. بدین معنا که تمدن نوین اسلامی بدون آموزه‌های غنی الهی فاقد هر گونه هویت معنایی در خود می‌باشد. همچنین تمدن نوین اسلامی مبتنی بر حرکت به سمت ابدیت نظام‌های خود را استوار می‌سازد و هماهنگی بین سیستم‌ها و زیر سیستم‌های تمدنی آن طوری ملاحظه می‌شود که در مسیر تعالی بشری سبب تضمین سلامت حیات اجتماعی بشر شده و آن را از آفت‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی مصون می‌دارد. بنابراین اعتقاد به معاد و حرکت به سوی ابدیت در باطن زندگی دنیوی انسان‌ها، حقیقتی انکار ناپذیر است که در معماری تمدن نوین اسلامی به ویژه در عرصه معنویت بر آن تأکید شده و سبب تعالی ساحت‌های مادی و معنوی انسان در دنیا و آخرت خواهد شد. در واقع معارف بلندی که در قالب آموزه‌های اسلامی برگرفته از قرآن و سنت است، زمینه ساز شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی می‌باشد.

همانطور که در نتایج مصاحبه با خبرگان نیز آمده، مؤلفه‌هایی مانند ارزش‌های اخلاقی، عقلانیت دینی و نهضت نرم افزاری در علم برای ساخت تمدن نوین اسلامی مورد تأیید و تأکید قرار گرفت. فقه تمدن ساز نیز به عنوان یکی از مؤلفه‌های محتوایی تمدن ساز اسلامی مورد نظر خبرگان بوده است. فقه اسلامی، از ابتدا تا انتها و از

طهارت تا دیات، مبین شیوه‌های زندگی است. گرچه تاکنون فقه سنتی بیشتر ناظر به احکام فردی بوده و وضعیت موجود فقه، کفایت ساخت نظام‌های مورد نیاز تمدن نوین اسلامی را نداشته، لیکن ظرفیت‌های فقه اسلامی مانند: مقتضیات زمان و مکان، منطقه الفراغ، مصلحت، مذاق شریعت و بسیاری قابلیت‌های دیگر می‌تواند فقه را به سمت فقه‌الاجتماع بیشتر سوق دهد و در مواجهه با پدیده جهانی شدن به کار آمده و در نهایت یک الگوی کامل و تمام عیار را برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی تولید نماید (عندلیب و سیاحت اسفندیاری، ۱۳۹۴). این ظرفیت‌ها دست فقها را برای نظام‌سازی‌های متناسب با نیازهای جهان امروز توانا ساخته و سبب پاسخگویی مطلوب در کلیه زمینه‌های فردی، اجتماعی و حکومتی خواهد شد. به عبارت دیگر «استخراج نظام‌های اجتماعی از فقه و تأسیس تمدن بر اساس آن، ضرورتاً به معنای این نیست که بالفعل این نظام‌ها در فقه وجود دارند؛ بلکه به این معناست که برخی از موضوعات و بسیاری از مبانی که برای حوزه بحث‌های مربوط به نظام‌های فقهی لازم است، در فقه وجود دارد و ما می‌توانیم از این ظرفیت عظیم برای تدوین نظام‌های فقهی و تأسیس تمدن اسلامی استفاده کنیم (مشکانی و فقیه، ۱۳۹۱: ۳۵).

لذا طراحی فقه مضاف، ناظر به نظام‌های اجتماعی از الزامات تحقق فقه حکومتی است. «فقه برای نظام‌سازی در حوزه‌های مختلف جامعه نیازمند طراحی فقه‌های مضاف است تا از آفت شرعی‌سازی وضعیت موجود که بر پایه نوعی اقتباس از تمدن مادی استوار است، برهد. اگر خرده نظام‌های درون حاکمیت برآمده از فقه نباشد کلان نظام آن گونه که باید نمی‌تواند اعمال ولایت نماید... مرحوم شهید صدر نمونه‌ای از این کار بزرگ را به انجام رساند. ایشان در مواجهه با اقتصاد مطرح آن روز دنیای مادی، کمونیسم و لیبرالیسم، گریه‌برداری و ترجمه نکرد و صرفاً به بیان یجوز و لایجوز پرداخت، بلکه با طراحی نظام اقتصادی اسلامی هم به خوبی تمایز و تهافت این نظامات اجتماعی را نشان داد و هم نشان داد که با نظامات طراحی شده و یا به اصطلاح خودشان با مکتب اقتصادی شرقی و غربی نمی‌توان به اداره جامعه اسلامی و تمدن‌سازی پرداخت. هر چند ظواهر بسیاری از مسائل مشروع‌سازی شود. نمی‌توان یک نهاد برآمده از اقتصاد ربوی و فرهنگ برهنگی را با تطهیر صورت مسئله و تغییر الفاظ قرارداد شرعی کرد و بعد اداره

حکومت را اسلامی دانست» (سعدی، ۱۳۹۴: ۳۴-۳۳). بنابراین برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی، نیازمند فقهی کارآمد و تمدن ساز هستیم که توان لازم برای پاسخگویی به نیازهای فردی، اجتماعی و حکومتی را داشته باشد و در مقابل نظام‌های سکولار غربی قدرت مواجهه علمی و عملی را در خود فراهم آورد. از این منظر است که نیاز به تحول در علوم انسانی برای ساخت تمدن نوین اسلامی قابل مذاقه خواهد بود.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با وجود نظریات برخی اندیشمندان درباره میرندگی تمدن‌ها، در تمدن اسلامی قائل به وجود قدرت رشد و بالندگی آن پس از دوران افول هستیم و مراد از تمدن نوین اسلامی، احیای تمدن اسلامی به منزله احیا در برابر مرگ تمدن‌ها نیست. چرا که روح تمدن اسلامی همواره در بلاد اسلامی جریان داشته و سازه اصلی شکل‌گیری تمدن اسلامی بوده است. از اینرو برخی صاحب‌نظران مؤلفه‌های تمدن ساز را از حیث اخلاقی و معنوی مورد بررسی قرار داده‌اند که مؤید بر اهمیت بُعد زمینه‌ای تمدن سازی اسلامی است چرا که این بُعد دلالت بر وجود باورهای اساسی، ارزش‌ها، بینش‌ها و دانش‌ها داشته و بنابر نظریات مختلفی که درباره سازه‌های تمدنی مطرح است، بیشتر نظریه پردازان در حوزه تمدن، عنصر معنوی و اخلاقی را به منزله جان و حقیقت تمدن دانسته و ساخت تمدن‌ها را بدون آن ناممکن می‌دانند. بر این اساس، تمدن سازی اسلامی نیز بر مدار روح و فرهنگ اسلامی بنا می‌گیرد. لذا در این اقدام به احصاء مؤلفه‌های محتوایی تمدن سازی اسلامی شد که بر اساس ادبیات نظری موجود و احصاء نظرات خبرگان گویه‌های؛ اعتقاد و ایمان به خدا، آموزه‌های اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت، اعتقاد و ایمان به رستاخیز، عقلانیت دینی، ارزش‌ها و باورهای اخلاقی، جنبش نرم افزاری در علم، فقه تمدن ساز اسلامی و تحول در علوم انسانی به ترتیب اولویت از مهم‌ترین مؤلفه‌های محتوایی در تمدن سازی اسلامی برآورد شده‌اند.

### پیشنهادها

الف) پیشنهاد می‌شود در تحقیقات بعدی، مؤلفه‌های تمدن سازی اسلامی در عرصه‌های دیگر نیز مورد فحص و بررسی قرار گیرد.



ب) برای نتیجه بخشی بیشتر جهت پیاده سازی اهداف مطلوب انقلاب اسلامی، ساختارها و ویژگی های تفصیلی هر یک از مؤلفه های محتوایی احصاء شده برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی به طور جداگانه مورد فحوص و بررسی محققان قرار گیرد.

ج) الگوی راهبردی جامع تمدن نوین اسلامی توسط اندیشمندان و نخبگان طرح ریزی گردد.

## کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) قابل دسترس در سایت [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۰۸هـ، مقدمه ابن خلدون، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، ۱۹۹۷م، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۵. آشوری، داریوش، ۱۳۸۱، تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ، چاپ دوم، تهران: آگاه.
۶. ایمان، محمدتقی، نوشادی، محمودرضا، ۱۳۹۰، «تحلیل محتوای کیفی»، مجله پژوهش، شماره ۲.
۷. بابایی، حبیب الله، ۱۳۹۳، کاوش‌های نظری در الهیات و تمدن، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
۸. برزویی، محمدرضا، ۱۳۹۴، ظرفیت شناسی رویکردهای فکری، فرهنگی آموزه مهدویت پس از انقلاب در تحقق تمدن اسلامی، قم: دانشگاه دانشگاه باقرالعلوم ع.
۹. پارسانیا، حمید، ۱۳۹۵، روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی، تهران: کتاب فردا.
۱۰. پهلوان، چنگیز، ۱۳۸۸، فرهنگ و تمدن، تهران: نی.
۱۱. توین بی، آرنولد، ۱۳۷۶، بررسی تاریخ تمدن، ترجمه: محمد حسن آریا، تهران: امیر کبیر.
۱۲. جمالی، مصطفی، ۱۳۹۲، جریان‌شناسی فکری در مهندسی تمدن اسلامی، چاپ سوم، قم: تمدن نوین.
۱۳. جمعی از نویسندگان (بابایی، حبیب الله، کرمی قهی، محمدتقی، رهدار، احمد و خراسانی، رضا)، ۱۳۸۸، جستاری نظری در باب تمدن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۴. جهان‌بین، فرزاد، معینی‌پور، مسعود، ۱۳۹۳، «فرایند تحقق تمدن اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای»، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۹.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، ادب فنای مقربان (شرح زیارت جامعه کبیره)، جلد دوم، چاپ ششم، قم: اسراء.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۰، دین‌شناسی، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۷. حسینی، سید محمد عارف، ۱۳۸۱، رویارویی تمدن اسلامی و مدرنیته، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۸. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۸۳ الف، بیدارگران اقالیم قبله، چاپ چهارم، تهران: دلیل ما.

۱۹. خاری آرانی، مجید، علی اکبر زاده آرانی، زهرا، ۱۳۹۴، «مبانی و مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی»، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران: دانشگاه شاهد.
۲۰. خاکرند، شکرالله، ۱۳۹۰، *سیر تمدن اسلامی*، قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۲۱. خاکرند، شکرالله، منتظرالقائم، اصغر، چلونگر، محمدعلی، ۱۳۸۶، «پیامبر اسلام ﷺ و جهان‌بینی تمدن‌ساز دینی»، *مجله اندیشه دینی*، شماره ۲۲.
۲۲. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، *لغت‌نامه دهخدا*، ج ۵، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
۲۳. دیبایی صابر، محسن، ۱۳۹۷، «تبیین مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی مورد نظر مقام معظم رهبری و تحلیل جایگاه آن در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران»، *مجموعه مقالات سومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی*، جلد اول، تهران: دانشگاه شاهد.
۲۴. رحیم‌پور ازغدی، حسن، ۱۳۷۸، *عقلانیت (مباحثی در جامعه‌شناسی توسعه)*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۲۵. رحیمی، غلامحسین، ۱۳۹۳، «سنت علمی در تمدن اسلامی»، *فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، شماره ۱۴.
۲۶. رهدار، احمد، ۱۳۹۲، *رویکردهای مطالعات تمدنی در اسلام، مندرج در تمدن‌سازی نوین اسلامی (مبانی اندیشه‌ای و رویکردها)*، سلسله نشست‌های حوزه تمدن اسلامی، تهران: مرکز مطالعات راهبردی ژرفا.
۲۷. رهدار، احمد، ۱۳۹۴، *ظرفیت‌های سیاسی جهان اسلام برای تمدن نوین اسلامی*، چکیده نخستین هفته علمی تمدن نوین اسلامی.
۲۸. زنگویی، اسدالله، نبی زاده بابکی، محمد، صالحی، محمدحسین، ۱۳۹۴، «آسیب‌شناسی، موانع و چالش‌ها در تحقق تمدن نوین اسلامی»، *مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی*، تهران: دانشگاه شاهد.
۲۹. زیدان، جرجی، ۱۳۸۶، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه: علی جواهر کلام، چاپ دوازدهم، تهران: امیرکبیر.
۳۰. سریع‌القلم، محمود، ۱۳۷۳، «قواعد تمدن‌سازی و آینده تمدن اسلامی»، گزارش از کنفرانس فرهنگ و تمدن اسلامی، *نشریه نامه فرهنگ مجله مطالعات خاورمیانه*، شماره ۳.

۳۱. سعدی، حسن علی، ۱۳۹۴، فقه و تمدن سازی (ولایت فقیه و مدینه انتظار)، مشرق موعود، شماره ۳۴.
۳۲. سمیعی اصفهانی، علیرضا، ۱۳۹۵، «ریشه‌یابی و چالش نسبت جهانی سازی با تمدن اسلامی»، مندرج در: **تمدن پژوهی: مطالعات مفهومی تمدن اسلامی**، تهران: جامعه‌شناسان.
۳۳. شجاعی، هادی، ۱۳۹۴، «ظرفیت‌های فرهنگ سیاسی تشیع در برسازگی تمدن نوین اسلامی»، **مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی**، تهران: دانشگاه شاهد.
۳۴. صادقی خرم دشتی، وحیده، ۱۳۹۴، «علم اهرم تحقق تمدن نوین اسلامی»، مندرج در: **مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی**، تهران: دانشگاه شاهد.
۳۵. طاهرزاده، اصغر، ۱۳۸۹، **تمدن‌زایی شیعه**، اصفهان: گروه فرهنگی المیزان، چاپ پردیس معنوی.
۳۶. عرفان، امیرمحسن، ۱۳۹۳، نقش باورداشت آموزه مهدویت در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: معارف.
۳۷. عقاد، عباس محمود، ۱۳۷۱، **تفکر از دیدگاه اسلام**، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۳۸. عندلیب، حسین، سیاحت اسفندیاری، عابدین، ۱۳۹۴، «جایگاه مبانی و عناصر فقه تمدن ساز در مواجهه با جهانی سازی»، **مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی نقش مدیریت انقلاب اسلامی در هندسه قدرت نظام جهانی (مدیریت، سیاست، اقتصاد، فرهنگ، امنیت، حسابداری)**، قابل دسترس در سایت [www.civilica.com](http://www.civilica.com).
۳۹. غفاری هاشجین، زاهد و خاکی، حسن ناصر، ۱۳۹۴، «مؤلفه‌ها و راهبردهای تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر تمدن‌گرایان»، **مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی**، تهران: دانشگاه شاهد.
۴۰. غلامی، رضا، ۱۳۸۳، **دین و دنیای متجدد**، تهران: نشاط.
۴۱. غلامی، رضا، ۱۳۹۶، **فلسفه تمدن نوین اسلامی**، تهران: سوره مهر.
۴۲. فرمهبینی فراهانی، محسن، ۱۳۹۴، «الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی»، **مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی**، تهران: دانشگاه شاهد.
۴۳. فیروزآبادی، سیدحسن، ۱۳۹۴: **تمدن، تدین و موعودگرایی**، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۴۴. کشاورز ترک، عین‌الله، تسنیمی، مجتبی، ۱۳۹۷، «مؤلفه‌ها و پیشران‌های آینده‌نگاری تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر امام خمینی (ع)»، **مجموعه مقالات سومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی**، ج ۱، تهران: دانشگاه شاهد.

۴۵. گارودی، روزبه، نتایج مارکسیسم، آینده اسلام و غرب، وضعیت فرهنگ و هنر در غرب، ارتباط فقه و شریعت و تمدن اسلام و ایران، خبر آنلاین، ۱۳۹۱/۴/۱۸، قابل دسترس در سایت [www.khabaronline.ir](http://www.khabaronline.ir).
۴۶. گلی زواره، غلامرضا، ۱۳۸۹، جغرافیای جهان اسلام: آشنایی با کشورهای اسلامی و قلمرو اقلیت‌های مسلمان، چاپ دوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۴۷. لوبون، گوستاو، ۱۳۳۴، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، چاپ چهارم، بی‌جا، بنگاه مطبوعاتی علی اکبر علمی.
۴۸. متولی امامی، سید محمدحسین، ۱۳۹۴، جستارهایی نظری در باب تمدن اسلامی، قم: نشر معارف.
۴۹. مدرسی، سیدمحمدتقی، ۱۳۷۹، اصول و پایه‌های تمدن اسلامی، ترجمه: محمدصادق پارسا، تهران: محبان الحسین علیه السلام.
۵۰. مرکز مطالعات راهبردی ناجا، ۱۳۹۵، نظم و امنیت در رویکرد تمدنی با تأکید بر تمدن نوین اسلامی، تهران: مرکز مطالعات راهبردی ناجا.
۵۱. مشکانی سبزواری، عباسعلی، فقیه، سید محمد، ۱۳۹۱، «فقه معطوف به تمدن»، معرفت، شماره ۱۸۲.
۵۲. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۰، نگاهی گذرا به بسیج و بسیجی، چاپ پنجم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۵۳. مطهری، سیدمرتضی، ۱۳۸۰، مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۱، ۲۴، چاپ دهم، تهران: صدرا.
۵۴. معین، محمد، ۱۳۸۲، فرهنگ فارسی، چاپ پنجم، تهران: سرایش.
۵۵. معینی، فائزه، ۱۳۸۷، دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی ایرانی در آینه آرا و اندیشه‌های امام و رهبری، تهران: دفتر نشر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم.
۵۶. ملاشاهی، مریم، ۱۳۹۴، «اقتضائات تحقق تمدن نوین اسلامی»، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران: دانشگاه شاهد.
۵۷. مولانا، حمید، ۱۳۸۲، اتحادیه امت اسلامی: طرحی در پی آمد و ساختار جهان‌شمولی اسلام، به اهتمام سیدطه مرقائی؛ جهان‌شمولی اسلام و جهانی‌سازی (۱)، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۵۸. نرماشیری، اسماعیل، ۱۳۹۵، «تحلیل معرفتی ماهیت پاسخگویی تمدن اسلامی به نیازهای انسانی»، مندرج در: تمدن پژوهی: مطالعات مفهومی تمدن اسلامی، تهران: جامعه‌شناسان.

۵۹. نصر، سیدحسین، ۱۳۸۵ (ب)، **قلب اسلام**، ترجمه: سیدمحمدصادق خرازی، تهران: نی.
۶۰. نصر، سیدحسین، ۱۳۸۵ (الف)، **اسلام- مذهب تاریخ و تمدن**، ترجمه: عباس گیلوری، تهران: نشر روزبهان.
۶۱. نوروزی فیروز، رسول، ۱۳۹۴، «تمدن به مثابه سطح تحلیل»، **نقد و نظر**، سال بیستم، شماره ۴.
۶۲. همایون، محمد مهدی، ۱۳۹۰، **تاریخ تمدن و ملک مهدوی**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۶۳. همتی، همایون، ۱۳۸۶، **فهم هنر و هنر فهم**، آبادان: پرسش.
۶۴. ولایتی، علی اکبر، ۱۳۸۴، **فرهنگ و تمدن اسلامی**، چاپ سوم، قم: نشر معارف.
65. Acharya, Amitav, 2001, **Constructing a Security Community in Southeast Asia**, ASEAN and the Problem of Regional Order, London: Routledge
66. Institute Of Islamic Thought And Civilization (ISTAC)
67. Nasr, Seyyed Hossein, 2009, "Civilizational Dialogue and the Islamic World," In: **Al-Idrus Mohamed Ajmal Bin Abdul Razak** (Ed.), *Islam*
68. Sardar Z, 1977 **Science, Technology and Development in the Muslim World**, Croon Helm, London.
69. Williams, Rhysh (2005), "religion as a cultural system: theoretical and empirical development since Geertz", In **the blackwell companion to sociology of religion**, newyork: blackwell
70. www.khamenei.ir
71. www.khabaronline.ir/news/225961
72. www.civilica.com/Paper-ICPEEE02-ICPEEE02-1221